

آزاده جان نیچه

نویسنده:
فریدون بیفائی



نشر مهرنوروز

۱۳۹۸



نشر مهرنوروز

سرشناسه: بقائی، فهیمه، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: آزاده جان نیچه/ مولف آ.ف. بقائی.
مشخصات نشر: تهران: مهر نوروز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۱-۹۸-۹
رمعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: نیچه، فریدریش ویلهلم - ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م. - نقد و تفسیر
نietzsche, Friedrich wilhelm, 1844 - 1900 - Criticism and interpretation
موضوع: فیلسوفان آلمانی - قرن ۱۹ م. - تاریخ و نقد
Philosophers -- Germany -- 19th century -- History and criticism
موضوع: رده بندی کنگره: ۳۷۳
رده بندی: ۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۵۵۵۷

عنوان: آزاده جان نیچه
نویسنده: فهیمه بقائی
طرح جلد: دکتر بهنام زنگی
صفحه آرای: مهر نوروز
چاپ اول: ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۱-۹۸-۹

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است
تلفن: ۸۸۵۱۳۹۰۶ . دورنگار: ۸۸۵۱۱۸۰۷
www.mnbook.ir . info@mnbook.ir
دفتر مرکزی فروش:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان کاوسی فر
کوچه آریا وطنی، پلاک ۱۹، واحد ۱۰۱

mehrenorouzpub

فهرست مطالب

۱۱.....	دیباچه
۱۵.....	تلاشی به مابه‌ی ساخت
۱۹.....	بیوگرافی نیچه
۲۳.....	زایش تراژدی
۲۷.....	سپیده‌دمان
۳۱.....	چنین گفت زرتشت
۳۹.....	حکمت‌شادان
۴۳.....	اراده‌ی معطوف به قدرت
۴۷.....	فراسوی نیک و بد
۵۱.....	تبارشناسی اخلاق
۵۳.....	دیدگاه غروب بتان و با پتک به فلسفه کوبیدن
۵۷.....	دجال (ضد مسیح)
۶۳.....	اینک آن انسان
۷۱.....	بی‌آمد نهیلیسم، کلید فلسفه‌ی نیچه
۷۵.....	آیا نیچه پست‌مدرنیست است؟
۸۱.....	اندیشه‌های سیاسی نیچه
۸۷.....	دلایل کسوف معنوی نیچه
۹۷.....	نیچه و بازتاب هنر

- ۱۰۱..... فلسفه‌ی هنر نیچه
- ۱۰۷..... سخنی در خاتمه
- ۱۰۹..... منابع و مأخذ

www.ketab.ir

دییچه

بانگ مینم که ره خوش تر آید
اگر فهمیده شوم ز من بهرأسند
و یا طردم کنند
ولی جسارت من،
در رویارویی با تنهایی، دلیلی بر آن نیست! (فردریش . نیچه)

بنا به توصیه‌ی دوست عزیزم، نسترن که هست به جای "دوست" او را "فرشته‌ی زمینی" خطاب کنم؛
به خواندن کتاب "وقتی نیچه گریست" اروین یالوم تجمه‌ی سپیده حبیب، مشغول بودم...
با فلسفه‌ی هنر آشنا...

لیکن گرایش و توجه بیشتر به : رنه دکارت، گئورگ هگل، رابرت نیامن، تنودور آدورنو، فردریش شلینگ، زیگموند فروید و کارل گوستاو یونگ.
تا به این اندازه، به نیچه، نزدیک نشده بودم. در حالی که، برخی از آن‌ها را به تأثیرگذار بودن...

خلاصه بگویم، به نحوی که هرگز پیش‌بینی نکرده بودم، ناخودآگاه من، در نوشتن این کتاب، نقش کلیدی ایفا کرد.

زمانی که به پایان کتاب: "وقتی نیچه گریست" نزدیک می‌شدم، در پی کشف حقایق بیشتری در خصوص زندگی، تمایلات و اهدافش بودم و به شکل غیرقابل توضیحی به نیچه می‌اندیشیدم.

او بخش زیادی از عمر خود را در ناامیدی عمیق سپری کرده بود ولی، در نهایت توانسته بود به عنوان خلاق ترین و نیرومندترین فیلسوف پس از زمانه‌ی خود لقب یابد. فردریش، در نوزده سالگی، به دانشگاه بن می‌رود و الهیات و فیلولوژی کلاسیک می‌خواند. نیچه، را نباید فقط در "تاریخ" جست! بلکه باید در "فرا تاریخ" نیز جستجو کرد. از نظر او، انسان باید نگاه ژرف به خود داشته باشد.

زیرا او می‌دانست که: نگاه ژرف، اغلب موجب "درد" است! جملاتی فردریش آنقدر ارزشمند است، هم‌چون، نمک! که هرگز طعمش را از دست نمی‌دهد.

خواندن کتاب "مختصر آثار نیچه" قرار گرفتن از یک سو، و نظر به این که، "کسی که جامعه و آسیب‌پذیر، انسان را در یک هستی بی‌رحم در هنرش نادیده می‌انگارد، و شایسته نیست که خود را هنرمند بنامد" از سوی دیگر ذهنم را درگیر کرده بود! در ابتدا، جسارت اکتشاف نیچه را در خود ندیده بودم.

قرار نبود هیچ چیز تغییر کند! فقط می‌بایست، رشد می‌کردند و غنی می‌یافتند. واقعیت، فقط گام به گام تحقق می‌یافت.

"پرواز را نمی‌توان با پرواز آموخت!!! ابتدا، باید چگونه راه رفتن را آموخت!!" (ف.ن) به عنوان یک هنرمند، خود را مسئول می‌دانستم. در زندگی، لحظه‌هایی هست که، حضور ذهن برای آینده، تعیین کننده است. لحظه‌هایی که برای به دست آوردنشان باید جسارت داشت.

تقلید طبیعی بودن، دشوارترین کار است. با این که تا اکنون دست به قلم شدن را تجربه کرده بودم، ولی، رمزگشایی درباره‌ی نیچه برایم بسیار دشوار و در عین حال، افتخارآفرین بود.

بهترین راه یافتن دانش، چه در علم و چه در هنر، این است که: آدم خودش را مجبور کند تا چیزها را از نو ببیند، صورت‌ها را پس بزند و به بن‌مایه‌های آن نگاه کند.

برانگیختگی مدام باعث شد بی‌تاب و مشتاقانه نیچه و افکار و عقاید و تمایلاتش را در ذهن تصور کنم و به خواندن مجموعه‌ی کتاب‌هایش بپردازم. حال مغز ترجیح می‌داد به جای فتوحات تازه، آن چه را دارد حفظ کند. آغاز عشق همیشه ناشیانه و دشوار است.

با این اعتقاد که هیچ بعدی وجود ندارد، چون بعد هم نوعی لحظه‌ی حال است و پرداختن به لحظه‌ی حال سرمدی "سنت اگوستین" فیلسوف قرون وسطی، آغازی بی پایان رقم زد...
نه در دشت بمان

و نه چندان صعود کن که از دید خارج شوی

بهترین منظره‌ی گیتی در ارتفاعی میان این دوست. (ف.ن)

صحت و سقم برخی اندیشه‌های نیچه مشخص نیست و با نقدهای جدی روبروست.
این که، نه با نگاهی فلسفی و نه توسط دانش آموخته فلسفه، بلکه، با دیدی هنری
تنظیم شد است.

و این که، حاصل کار چه درآمده؟ فرهیخته‌گان و نیچه‌خوانان باید بگویند.
اما من با همین کونه هستی، نهایت سعی و تلاش خود را انجام داده‌ام و این روزها که،
شتاب، همه چیز است، به‌خارانه شب‌هایم را به پایش ریخته‌ام.
علی‌رغم کاستی‌هایم است، که به ایجاد انگیزه بیانجامد و چشم انتظار پیشنهادهای
آگاهانه‌ی اهل فن هستم.
"نیک خواندن بیاموزیم. همین!"

آ.ف. بقائی

پائیز ۱۳۹۸

a.baghaei@79gmail.com